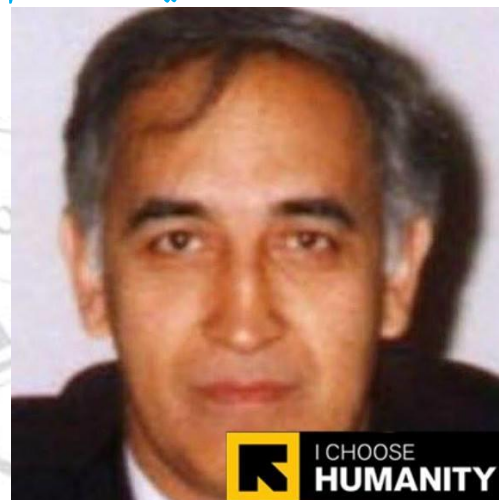


تحقیق و تدقیق تاریخی بر نام خراسان



روؤف مهدی

تاریخ مربوط به گذشته است، اثبات درستی یا نادرستی هر نظر نو باید بر پایه سند باستان‌شناسی، سکه‌شناسی، زبان‌شناسی و منابع گذشتگان صورت پذیرد، نه تراوشات ذهنی شخصی پژوهشگر و آن‌هم به‌طور مطلق‌نگری که سخن دیگران غلط هست و سخن من درست! در تاریخ هیچ درست و نادرست مطلق وجود ندارد! پژوهشگر خوب کسی نیست که تلاش کند به هر قیمتی - سخن راست و ناراست - خود را بر کرسی بنشاند. ملاک باید واقع‌نگری باشد.

در یک تحقیق علمی، قدم اول طرح مسئله است؛ قدم دو جستجو و پژوهش براساس اسناد و مآخذ معتبر و در گام سوم، اثبات یا رد مسئله و نتیجه‌گیری واقع‌بینانه از تحقیق.

موضوعی که من در ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۲ مطرح کردم، طرح یک مسئله بود. یعنی بیان مسئله برای تبدیل یک مسئله کلی به مسئله‌ای با بیانی کاملاً مشخص، مختصر و هدفمند جهت انجام تحقیقات و استفاده از آن در فرایند تصمیم‌گیری، نه مرحله‌ی تصمیم‌گیری (فیصله)!

طرح مسئله این‌گونه بیان شده بود:

البته در گذشته من درباره خراسان (خوراسان یا خورسان) نظراتم را نوشته‌ام و در سال ۲۰۰۸ در نظر بود که زیر عنوان «جستار نام‌های تاریخی»، بین اندیشمندان و تاریخ‌نگاران و باستان‌شناسان و زبان‌شناسان مورد نقد و بررسی قرار گیرد که متأسفانه سر جمع کردن این افراد در حالت مهاجرت بسیار دشوار بود و هیچ نهادی هم با دانشنامه آریانا همکاری نکرد تا این پروژه به انجام برسد. از این‌رو، این پروژه ابتر ماند.

به هر حال، در رابطه با کالبدشکافی نام «خراسان» که می‌تواند ابعاد مختلف را در بر بگیرد، من به موردی برخورددم که تاکنون یک تحقیق بی‌طرف علمی در مورد آن مانند سایر موارد دیگر صورت

نگرفته است. این مورد تازه را که من عنوان می‌کنم «رابطه واژه‌ی خوراسگان با خراسان یا خوراسان» است. شاید این بررسی از لحاظ نام‌شناسی بتواند پرتو تازه به ریشه‌شناسی نام خراسان باشد.

«خوراسگان، یکی از محله‌های قدیمی شهر اصفهان است که در منطقه ۱۵ شهرداری اصفهان قرار دارد. این منطقه تا قبل از سال ۱۳۴۳ به صورت چند روستا بوده‌است که از به هم پیوستن هفت روستای ابهر، راران، بوزان، پزوه، سلطان‌آباد، جی‌شیر، خیادان و کنگاز به منطقه شهری بدل شد.» (منبع: ویکی‌پدیا)

در کامنت‌های بعدی به مواردی که در فرهنگ‌نامه‌ها و جغرافیای تاریخی در مورد ریشه‌شناسی واژه‌ی خراسان بود پرداختم تا بدانیم چه منابع اطلاعاتی در دسترس است:

خراسان به چه معناست؟ در مورد ریشه‌شناسی واژه‌ی خراسان، در لغت‌نامه دهخدا آمده است که کلمه‌ی «خوراسان» واژه‌ای پهلوی است که در متون قدیمی به معنای مشرق (خاور) در مقابل مغرب (باختر) به کار رفته است. (لغت‌نامه دهخدا، ذیل ماده خراسان).

فخرالدین اسعد گرگانی در ویس و رامین آورده:

خوشا جایا بر و بوم خراسان

درو باش و جهان را می‌خور آسان

زبان پهلوی هر کاو شناسد

خوراسان آن بود کز وی‌خور آسد

خور آسد پهلوی باشد خور آید

عراق و پارس را خور زو بر آید

خراسان را بود معنی خور آیان

کجا از وی‌خور آید سوی ایران

(فخرالدین اسعد گرگانی، ویس و رامین، تصحیح ماگالی تودوا و الکساندر گواخاریا، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران - ۱۳۴۹، ص ۱۷۶)

یاقوت حموی چنین نوشته است: «خُریا خور به فارسی دری، نام خورشید و آسان گویا اصل و جای شیء است.» (یاقوت حموی، معجم‌البلدان، انتشارات داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۹۹ ه.ق، ۱۹۷۹ م، ج ۲، ص ۳۵۰).

حافظ ابرو جغرافیدان مشهور، تعبیر دیگری به کار برده و خوراسان را به صورت «خورسان» «آفتاب‌مانند» معنی نموده و نقل کرده است. بعضی نیز گفته‌اند خورآسان، یعنی به آسانی بخور!؟ (حافظ ابرو، جغرافیای تاریخی خراسان، مصحح غلامرضا وره‌رام، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۰، ص ۱۰).

و برخی نیز خوراسان را سرزمین نورانی یا طالع نوشته‌اند و آن را کلمه‌ای مرکب از لفظ «خور» به معنی خورشید و «آسان» به معنی شرق دانسته‌اند. (مدیرشانه‌چی، کاظم، مقاله «حدود خراسان در طول تاریخ»، مجله دانشکده معقول و منقول (الهیات مشهد)، زمستان ۱۳۴۷، ص ۱۱۳)

از بررسی نظرات ارائه شده چنین استنباط می‌شود، که «خورستان (خور+ستان = سرزمین مطلع خورشید)» بوده است که بر اثر تطور زمان و شاید از باب تطابق نگارش به خراسان تبدیل شده است. (بینش، تقی، «خراسان» نشریه فرهنگ خراسان، سال دوم، ص ۳ و ۴، آذر ۱۳۲۹)

نظری نیز وجود دارد که خوراسان را خور آستان به معنای سرزمین خورشید و جایی که خورشید طلوع می‌کند و خراسان را مخفف خورآستان، می‌داند! (عادل اشکبوس)

کتاب‌ها و مقالات گوناگونی در باره‌ی ریشه‌ی خوراسان نوشته شده‌اند و چون بیش‌تر این کتاب‌ها مقالات در زمان معاصر توسط ایرانیان نوشته شده و با توجه به شوونیسم آشکار ایرانی و تقلب در تاریخ‌نگاری زیاد قابل استناد نیستند.

چنان‌که ترکان ایرانی مدعی هستند که خوراسان از کلمات تورکی تشکیل شده که در زیر به تفکیک آن‌ها می‌پردازیم.

خراسان = خوراسان = هوراسان = اوراسان:

اور = - آبادی - خانه - کاشانه - منزل در تورکی قدیم

(اورمیه = اور+میه = آبادی‌های سرسبز)

اسان = سان = سانماق = سانیماق = شماره - شمردن = فرض کردن ترکیب این دو کلمه در خیلی از اسامی آبادی‌ها به کار رفته است.

در تورکی ترکیه حرف «خ» وجود ندارد و آن‌ها به جای حرف «خ» از حرف «ح» یا «ه» استفاده می‌کنند و در تورکی شرقی حروف «خ» و «ه» کاربرد ندارند و در عوض آن‌ها از حرف «ائو» استفاده می‌شود.

هوری لر، هوراسان و شاید روزی خوراسان سرزمین هوری‌ها و هون‌ها (آتیل) بوده است!

ابن خلدون تاریخ‌نویس بزرگ می‌گوید: «ایران سرزمین ترکان است.»

ولی هیچ‌وقت این‌گونه مطالب را در کتاب‌های تاریخی موجود نمی‌توان یافت!

به هر حال در مورد ریشه‌شناسی خوراسگان به نظر می‌رسد، خوراسگان نه از دو جز بلکه از سه جز ترکیب شده است: خور + آس + گان. خور در فارسی میانه (پارسیگ) به معنای خورشید است که در زبان دری به دو صورت خور و خُر آمده است. جز دوم بازهم در زبان پارسیگ از بن مضارع آس (as) از فعل آسیدن (به معنی برآمدن) آمده است و گان پسوند مکان است که در نام بسیاری از شهرهای دیرین نمونه‌های فراوان دارد. بنابراین، «خوراسگان» به معنی جایگاه آمدن یا برآمد خورشید است که مترادف خراسان است.

اما دوست ایرانی ام جناب جواد مفرد درباره معنای «خورسان، اران، خوراسگان و اورامان» می نویسد: «خورسان شمال ارس را با توجه به اراضی پست و گود آن می توان برگرفته از خور-شن به معنای محل گود گرفت.

نام خوراسگان را می توان ترکیب «خوراس» (خوار و خورش) و پسوند «گان» گرفت. واژه ی «خوراس» بدین شکل در نام میمون آدم خواری به نام «مرتی خوراس» (آدم خوار) در خبر کتسیاس دیده می شود که هندی ها به دربار هخامنشی فرستاده بودند.»

[از این رو]، معنی خوراسگان باید محل خوردن شراب (خورآپات، خورآباد، خرابات) بوده باشد. چون نام کهن تر آن را «زشورجی» آورده اند که به صورت «زئه-شور-جی» معنای جای شراب شکوهمند را می دهد.

نام اورامان را در سنسکریت می توان به صورت «اور-مان» به معنای «چراگاه آهوان» گرفت. چون نام کهن تر آن جا یعنی «کارالا» نیز به معنای محل آهوان است.» (پاسخ جناب جواد مفرد در برابر پرسش من).

اما آن چه من بحث «خورسان» (مانند خورشید) را به نقل از حافظ آبرو مطرح کردم، در رابطه با کوه سلیمان بود. سلیمان که تلفظ قرآنی آن «soleymān» است، در زبان انگلیسی «soleyman» خوانده می شود، یکی از پیامبران یهودی (بنی اسرائیل) و فرزند «داوود» است. اما این که چرا نام این پیامبر یهودی را بر این کوه گذاشته اند، برخی مورخان از دوره ی مغل به بعد آن را به داستان خیالی یهود بودن قوم «پشتون» مرتبط دانسته اند! اما این یک توجیه بسیار عامیانه و غلط مشهور است.

طرح مسئله در این مورد این است که احتمالاً صورت اصلی کوه سلیمان، «سوری مان» (مانند خورشید یا آفتاب مانند) باشد. «سور» در زبان سنسکریت، «هور» در زبان اوستایی، «خور» در زبان پارسیگ و «سول» (Sol) در زبان لاتین که در زبان انگلیسی به صورت «Sun» درآمده و به معنای خورشید است، همه از یک ریشه هستند. اما پسوند «مان» در زبان دری به چند معنا آمده است، از جمله: ۱- خانه، ۲- مثل و مانند و ... در زبان پارسیگ (فارسی میانه) به جای «نمانه» اوستایی، واژه ی «مان» (خانه) را به کار برده شده است. چنان که بعداً فردوسی گوید: «که چون اوی بدین جای مهمان رسد/ بدین بینوا میهن و مان رسد». در اینجا «میهن و مان» مترادف هم به کار گرفته شده است. بنابراین، «مان» یعنی خانه، اقامتگاه، میهن، و هم چنین مثل و مانند معنا می دهد. و کوه سلیمان ممکن است در واقع «کوه سوری مان» (جایگاه خورشید یا آفتاب مانند) بوده باشد، ولی تاکنون سندی برای صدق این ادعا در دست نیست!

تبصره نشریه گفتمان :

آقای روؤف مهدی نویسنده این مقاله چنین یاد آور شده اند:

"طرح این مسئله هنوز ناقص است. امیدوارم در مجموعه افغانستان شناسی بتوانم آن را بهتر باز کنم.

لطفاً این مجموعه را مطالعه بفرمایید. هر جا که نقد و نظری داشته باشید برای اصلاح این مجموعه
مرا یاری خواهند کرد، حتما نظرات انتقادی عزیزان خواننده این مطالب را پربار خواهد کرد. "

